



مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

مجموعه مقالات نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی

(جلد اول)

اسفند ماه ۱۳۹۷

ترکیبات باهم آیند در کارنامه اردشیر بابکان

شیما جعفری دهقی^۱

چکیده:

زبان‌شناسان، تاریخ زبان فارسی را به سه دوره باستان، میانه و نو تقسیم کرده‌اند. بیشترین آثار باقی‌مانده از زبان‌های ایرانی در دوره میانه مربوط به زبان فارسی میانه و در قالب نوشته‌های ادبی و دینی (زردشتی) و غیردینی دوران فرمانروایی ساسانیان است. *کارنامه اردشیر بابکان*، که در تقسیم‌بندی متون تاریخی به زبان فارسی میانه جای دارد، احتمالاً در پایان دوره ساسانی و براساس روایت‌های کهن‌تری در فارس نوشته شده است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۲۶۰). این متن اگرچه ارزش ادبی چندانی ندارد، از دیدگاه زبان‌شناسی بسیار ارزشمند است. در این پژوهش، هدف بررسی ترکیبات باهم‌آیند در این متن فارسی میانه است. منظور از ترکیبات باهم‌آیند، مجموعه‌ای از دو یا چند کلمه است که روی هم یک نقش دستوری دارند و یک معنای خاص را القاء می‌کنند.^۲ بنابر این تعریف، در گزینش ترکیبات باهم‌آیند در این پژوهش، هر دو دیدگاه معنایی و دستوری در نظر گرفته شده است. همچنین میزان هم‌نشینی این ترکیبات به طور کل در زبان فارسی میانه ملاک گزینش بوده است. نخست، متن *کارنامه اردشیر بابکان* بررسی و ترکیبات با ویژگی‌های گفته شده گردآوری شد. سپس، نگارنده به دسته‌بندی و تحلیل این ترکیبات با توجه به اجزای تشکیل‌دهنده آنها پرداخت. برآیند و حاصل این پژوهش نشان داد که بیشتر ترکیبات باهم‌آیند در متن فارسی میانه *کارنامه اردشیر بابکان* از نوع ترکیبات فعلی بوده و پس از آن ترکیبات اسمی بیشترین میزان کاربرد را داشتند. همچنین، بیشتر ترکیبات باهم‌آیند از نوع صفت/اسم/قید + همکرد بوده است.

کلیدواژه‌ها: ترکیبات باهم‌آیند، همکرد، زبان فارسی میانه، *کارنامه اردشیر بابکان*

^۳ - ترکیباتی که دارای معنای استعاری یا غیرحقیقی هستند در این پژوهش مدنظر نیستند.

^۴ - به این معنا که ترکیباتی که در پژوهش حاضر گزینش شده‌اند از لحاظ هم‌نشینی نسبت به دیگر ترکیبات از بسامد بیشتری برخوردار هستند.

۱. مقدمه:

زبان‌شناسان، تاریخ زبان فارسی را به سه دوره باستان، میانه و نو تقسیم کرده‌اند. ارانسکی^۱ (۱۳۸۶: ۷۰) فاصله زمانی میان سال ۳۳۱ پیش از میلاد تا زمان ورود اسلام به ایران را با عنوان دوران میانه می‌شناسد. در این دوره، فرمانروایی ساسانی در سرزمین ایران حکم‌فرما بود و «فارسی میانه ساسانی» زبان اصلی ایران محسوب می‌شد. بر طبق نظر آموزگار و تفضلی «بیشترین آثار باقی‌مانده از زبان‌های ایرانی در دوره میانه مربوط به زبان فارسی میانه و در قالب نوشته‌های ادبی و دینی (زردشتی) و غیردینی فرمانروایی ساسانی است و تمامی این آثار به خط فارسی میانه (پهلوی) نوشته شده است. آثار باقی‌مانده از فارسی میانه به پنج دسته تقسیم می‌شوند: آثار کتیبه‌ای فارسی میانه (غیرکتایی)، متون فارسی میانه، زبور پهلوی، آثار مانوی و جملات و لغات پراکنده در کتاب‌های عربی و فارسی» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۳: ۵۳). از کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی فارسی میانه، تعداد کمی برای ما به زبان اصلی برجای مانده است، اما بسیاری از آنها در قرون نخستین اسلامی موجود بوده و نویسندگان اسلامی در تدوین فصول مربوط به تاریخ و جغرافیای ایران از آنها استفاده کرده‌اند. تنها اثر تاریخی به زبان فارسی میانه *کارنامه اردشیر بابکان* است. در این پژوهش از این جهت *کارنامه اردشیر بابکان* انتخاب شد که متنی ادبی به‌شمار نمی‌آید و احتمالاً بیش از سایر متون فارسی میانه گونه مرسوم زبان را در آن دوره نمایان می‌سازد.^۲ یکی از مباحث مرتبط با جنبه‌های کاربردی زبان، هم‌نشینی واژگانی (باهمایش) است. باهمایش عبارت است از

قرارگرفتن واحدهای زبانی در کنار هم؛ به این معنا که بعضی از واژه‌ها در زبان فقط با واژه‌های خاصی می‌توانند هم‌نشین شوند و برای درک آن زبان، باید از باهمایش واژه‌ها آگاه بود. مسئله باهمایش را می‌توان از دو دیدگاه بررسی کرد: یکی دیدگاه معنایی و دیگری ساختارهای دستوری (بهبودی، ۱۳۹۴، ۶۸-۶۹). در دیدگاه معنایی ترکیبات باهم‌آیند به صورت مستقل از ساختارهای دستوری بررسی می‌شوند. مثلاً به نظر کروزر^۳ ترکیبات باهم‌آیند یک سازه معنایی تشکیل می‌دهند و بافت در انتقال مفهوم سازه‌های معنایی بسیار موثر است (1986، 41-24). در رویکرد دستوری، صرفاً از طریق الگوها و ساختارهای دستوری به واژه‌هایی که همایش دارند توجه می‌شود و بنابراین، واژه‌ها باوجود

^۱ - Oransky

^۲ - در پژوهش پیش رو، متن فارسی میانه از کتاب *کارنامه اردشیر بابکان* ترجمه بهرام فره‌وشی برگرفته شده است (۱۳۸۶).

^۳ - Cruse, D.A.

آنکه از نظر دستوری و معنایی مستقل هستند، به تنهایی به کار نمی‌روند و با یکدیگر ارتباط دارند.

در این پژوهش، در انتخاب ترکیبات باهم‌آیند هر دو دیدگاه معنایی و دستوری در نظر گرفته شده است. بر اساس تعاریف گفته شده، ترکیبات باهم‌آیند در متن کارنامه‌/ردشیر بابکان گزینش، تحلیل و دسته‌بندی شد.

۱.۱ باهم‌آیی یا ترکیبات باهم‌آیند:

پیشینه پژوهش:

باهمایش اصطلاحی است که جی. آر. فرث نخستین بار در نظریه معنایی خود ارائه کرده است. جمله مشهور او که «درک و دانستن یک واژه از طریق شناسایی واژه‌های همراه او مشخص می‌شود»^۲ توصیفی از این اصطلاح است (1975, p.11). فرث نخست در هندوستان به تدریس زبان انگلیسی پرداخت و پس از مدتی به بریتانیا بازگشت. او بر این باور بود که «معنا» و «بافت» در بررسی زبان در اولویت‌اند و نظریه خود را با عنوان «معنای واژه بر اساس بافت»^۳ ارائه کرد (Chapman & Routledge, 2005, 81). او به تشخیص واژه از طریق واژه‌های هم‌نشین اعتقاد داشت و بر آن بود که باهمایش واژه‌ها تنها بخشی از معنای آنها را دربردارند. او ملاک تشخیص جواز باهمایش را نه تنها معنی انفرادی هر یک از واژه‌ها، بلکه عرف زبانی در هم‌نشینی آنها می‌دانست.

پس از او، پالمر، زبان‌شناس انگلیسی معتقد بود که واژه‌ها در هر یک از هم‌نشینی‌های گوناگون می‌توانند معانی متفاوتی پیدا کنند، مثل واژه «اثر» در ترکیبات «اثر انگشت» و «اثر ادبی». به نظر پالمر یک واژه در هم‌نشینی با واژه‌هایی قرار می‌گیرد که از نظر معنایی با آنها به جهت یا جهاتی سنخیت داشته باشد (۱۳۷۴، ۱۶۴). مک‌این‌تاش نیز کار فرث را درباره هم‌آیی ادامه داد^۴ و مسئله محدودیت را مطرح کرد. او محدودیت را با دامنه کاربرد واژه مربوط دانست. همچنین او اظهار داشت که «محدودیت» یا range واژگان امری است که در همه زبان‌ها در حال دگرگونی است و ایستا باقی نمی‌ماند (Malmkjaer, 2002).

^۱- J. R. Firth

^۲- "You shall know a word by the company it keeps".

^۳- contextual theory of meaning

^۴- او از اصطلاحات range و tolerance of compatibility استفاده کرد.

پس از فرث، پالمر و مک‌اینتاش، پژوهشگران دیگری همچون میتچل^۱، هلیدی^۲، سینکلر^۳ و گرین‌باوم^۴ همه دربارهٔ همایش مطالبی ارزنده ارائه کردند که مطالب هلیدی و سینکلر از همه تاثیرگذارتر بود. هلیدی در مقاله‌ای با عنوان «واژه به مثابهٔ یک سطح زبانی»^۵ نشان داد که مسئلهٔ مجموعه‌ها یا گروه‌های واژگانی کدام‌اند و نقش هریک در زبان چیست (۱۹۶۶: ۱۶۱-۱۵۰). پس از هلیدی، سینکلر در پروژه‌ای بزرگ در دانشگاه برمنگهام^۶ تعداد ۲۰ میلیون واژه را در رایانه ذخیره و تحلیل کرد. مهمترین دستاورد این پژوهش، تشخیص و ارائهٔ ارتباط ساختار متن و معنای واژگان بود (Malmkjaer, 2002). آراء و نظریات میتچل نیز بسیار حائز اهمیت بود. او بر ارتباط میان واژه و نحو زبان تاکید فراوان داشت (1971, 35-69).

در زبان فارسی، مفهوم باهمایش را نخستین بار باطنی در توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی براساس نظریهٔ «مقوله و میزان» هلیدی به کار برد. او بر این باور بود که «سازگاری افراد طبقات [مقولات دستوری] را با یکدیگر در روی زنجیر گفتار هم‌نشینی می‌گوییم (۱۳۷۷: ۵۷). به نظر او، تنها شماری از اعضای هر طبقه می‌توانند در زنجیرهٔ گفتار ظاهر شوند که آنها را دستهٔ مثبت می‌نامند. اعضای که نمی‌توانند ظاهر شوند، دستهٔ منفی خوانده می‌شوند. هم‌نشینی به محور زنجیری و دسته‌های مثبت و منفی به محور انتخابی مربوط‌اند. انتخاب از دستهٔ مثبت در هر نقطه از زنجیر گفتار هم‌نشینی را مثبت و طرح واژگانی را بهنجار می‌سازد. به خلاف، انتخاب از دستهٔ منفی هم‌نشینی را منفی و طرح واژگانی را نابهنجار می‌گرداند (همان، ۵۵-۵۷). همچنین، صفوی دربارهٔ ترکیبات باهم آیند چنین می‌نویسد «وقوع واژه‌هایی با ویژگی‌های بنیادین مشترک روی محور هم‌نشینی به باهمایش منجر می‌شود» (۱۳۸۲: ۱).

افراشی باهمایش را رابطه‌ای ساختی^۷ میان واژه‌ها تعریف می‌کند که در نتیجهٔ آمیزه‌ای از صرف و معنی روی می‌دهد. او باهم آیی را به دو گروه «برون زبانی» و «درون زبانی» تقسیم‌بندی می‌کند که اولی بر اساس معنا شناخته می‌شود و دومی بر اساس

^۱Mitchell

^۲Halliday

^۳Sinclair

^۴Greenbaum

^۵“Lexis as a linguistic level”

^۶ - پروژهٔ کوبیلد (Cobuild) که در سال ۱۹۶۶م. آغاز شد و حاصل آن به صورت فرهنگ واژگان در سال ۱۹۸۷م. منتشر شد.

^۷ - منظور افراشی از «ساخت» نظام عناصر زبان بر پایهٔ جانشینی و هم‌نشینی است.

صرف (۱۳۷۸: ۸۰). به نظر افراشی هم‌نشینی واحدهای زبانی در فرآیندهای واژه‌سازی به‌عنوان نمونه‌ای از باهمایش درون زبانی قابل بررسی است (۱۳۷۸: ۸۱).

شریفی و ابراهیمی ترکیبات باهم‌آیند را بررسی و طبقه‌بندی کرده‌اند. آنها دلیل تشکیل برخی از ترکیبات باهم‌آیند را «علمی» می‌شمارند؛ برخی را «تاریخی» و برخی دیگر را کاربرد آنها در قرآن می‌دانند. آنها معتقدند در بررسی ترکیبات باهم‌آیند باید در جستجوی دلیل و پیشینه شکل‌گیری آنها بود و بدون شک مسایل تاریخی و فرهنگی در شکل‌گیری اینگونه ترکیبات تاثیرگذار بوده است (2012, 67-82).

پناهی نیز به بررسی این موضوع پرداخته است (۱۳۸۱: ۲۰۶-۲۰۷). او بر این باور است که باهمایش مفهومی جهان‌شمول در زبان است. همچنین در نظر او، باهمایش ویژگی ساخت‌واژی- معنایی دارد. بنابراین، او در پژوهش خود باهمایش را به لحاظ صرفی، محصول فرآیند ترکیبی واژه‌سازی می‌داند که طی آن نقش نحوی واژه نیز مورد نظر قرار می‌گیرد و از نظر معنایی، معنای اجزای ترکیب در محدودیت هم‌نشینی واژه هم‌آیند با پایه و بهنجار بودن ترکیب تعیین‌کننده است. فرآیند ساخت‌واژی- معنایی همایش از نظر پناهی در یک طیف هم‌گرایی و در زمان عمل می‌کند. به لحاظ گستره، از ترکیبات آزاد در یک سر طیف آغاز و در گذر زمان دستخوش چند رخداد می‌شود. برخی از ترکیبات به دلیل نداشتن همایش در زبان روزمره کاربرد نمی‌یابند. این پدیده‌های ترکیبی تصادفی‌اند و به دلیل کمی بسامد، از زبان حذف می‌شوند. شماری دیگر که بسامد بالا دارند مسیر تثبیت شدن را طی می‌کنند. پناهی ترکیبات باهم‌آیند را به دو دسته «فعلی» و «غیرفعلی» تقسیم می‌کند و با مطالعه نگرش و دیدگاه دبیرمقدم (۱۳۷۶) و رسام (۱۳۷۵) نتایج بررسی خود را به‌صورت زیر طبقه‌بندی می‌کند:

ترکیبات باهم‌آیند فعلی:

الف. صفت / اسم / قید + همکرد!

فارسی نو: خوب بودن؛ فارسی میانه: *abd sahistan* (شگفت به نظر رسیدن)

(MacKenzie, 1971, 2)

ب. گروه حرف اضافه‌ای + همکرد.

^۱ - در این پژوهش از تقسیم بندی پناهی (۱۳۸۱) پیروی شده است. مثال‌ها و ترکیبات باهم‌آیند فارسی میانه از نگارنده است.

^۲ - به پیروی از ناتل خانلری جزء دوم این ترکیبات فعلی که به نوع عمل دلالت دارند همکرد نامیده شده‌اند (۱۳۵۲: ۲۶۸).

فارسی نو: به کار گرفتن؛ فارسی میانه: *ō ham kardan* (سرهم کردن) (Ibid,61)

ج. پیشوند + همکرد.

فارسی نو: واداشتن، برانداختن؛ فارسی میانه: *be šāyēd* (شایسته است) (کارنامه اردشیر بابکان، ۳۱۱).

د. مفعول + فعل بسیط متعدی.

فارسی نو: غذا خوردن؛ فارسی میانه: *framān spōxtan* (از فرمان سرپیچی کردن) (همان، ۱۲).

ترکیبات باهم آیند غیر فعلی:

ترکیبات باهم آیند غیر فعلی ترکیباتی هستند که در معنای حقیقی به کار می‌روند (پناهی، ۲۰۸) و هر دو جزء ترکیب غیر فعلی اند. مثلاً در فارسی نو تقصیر خدمت؛ در فارسی میانه: *kār-nāmag* (کارنامه) (MacKenzie, 1971: 50). در ترکیبات غیر فعلی عموماً حضور کسره اضافه محسوس است و در حالاتی عامل تمایز دهنده این ترکیبات از فعلی است؛ مانند اسب سواری و اسب سواری. از دیگر خصوصیات ترکیبات غیر فعلی این است که هر دو جزء ترکیب غیر فعلی اند (پناهی، ۲۰۸).

۲. ترکیبات باهم آیند در فارسی میانه:

در ایرانی میانه غربی نیز همانند فارسی نو ترکیبات باهم آیند کاربرد فراوان داشته است. در این پژوهش متن فارسی میانه *کارنامه اردشیر بابکان* برای نمونه بررسی شده است.

۱،۲ ترکیبات باهم آیند فعلی:

الف. صفت + همکرد: *abd sahistan* (شگفت به نظر رسید)

*any sidīgar šab hamgōnag ēdōn dīd čīyōn ka ādur farnbay^۳
gušnasp ud burzēn mihr pad xānag ī Sāsān hamē waxšēnd...*
(*abd sahist* *کارنامه اردشیر بابکان*: ۶).

^۱ - برای آگاهی بیشتر درباره پیشوندهای فعلی در زبان فارسی میانه نک. آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵، [۱۳۹۵]: ۸۳.

^۲ - این ترکیب در واژه‌نامه‌های فارسی میانه باهم نیامده است. برای *spōxtan* نک. MacKenzie, 76.

^۳ - آوانویسی متن فارسی میانه به روش مکنزی است و از آوانویسی فرهوشی متفاوت است.

و شب سوم همانگونه، چنین دید که آتش‌های فَرنبغ، گُشنسب و برزین مهر در خانهٔ ساسان همی درخشند ... در نظرش شگفت آمد.^۱

اسم + همکرد: **āfrīn kardan** (دعا کرد)

(...namāz awiš barēnd ud stāyišn ud **āfrīn kunēnd**. (همان، ۶.)

... او را نماز برند و ستایش و دعا کنند.

قید + همکرد: **andar šudan** (وارد شد)

... **tīr-ē ēdōn ō gōr zad ku tīr tā par pad aškamb andar šud**

(همان، ۱۶)

... تیر چنان به گور (حیوان) زد که تیر تا پَر درون شکم (او) شد.

ب. گروه حرف اضافه‌ای + همکرد: **pad ēd dāštan** (پنداشتن، در نظر گرفتن)
Spāh ī mādigān pad ēd dāšt ku nūn az ardaxšēr abe-bīm bē bud
 hom ... (همان، ۵۲)

سپاه مادگان چنین پنداشت که اکنون از اردشیر بی‌بیم بودیم....

ج. پیشوند + همکرد: **hamē dawistan** (همی دویدن)؛ **be widardan**
 (بگذشتن، عبور کردن)

u-šān rak-ē-ī abēr stawr az pas hamē dawist (همان، ۳۸)

ایشان را از پس، بره‌ای بسیار ستبر همی دوید.

az mardōmān pursīd ku ān dō aswār čē gāh be widard hēnd?
 (همانجا)

از مردم پرسید که آن دو سوار چه زمانی [از اینجا] گذشتند؟

د. مفعول + فعل بسیط متعدی: **ātaš nišāstan** (آتش روشن کردن)

...**ud ātaš ī Warahrām ānōh nišāst** ... (همان، ۱۱۰)

... و آتش بهرام آنجا نشانند...

۲,۲ ترکیبات باهم آیند غیر فعلی:

^۱ - برگردان فارسی از نگارنده و کلمه به کلمه است.

^۲ - این خوانش فرهوشی است که «قوچ و گوسفند جنگی» ترجمه کرده است (۳۹). در نسخهٔ آنتیا این واژه تصحیح شده و به صورت **warak** به معنی بره ذکر شده است. فرهوشی خوانش آنتیا را نادرست می‌داند. در واژه‌نامهٔ مکنزی **rak** نیامده است.

- در زبان فارسی میانه ترکیبات باهم آیند غیرفعلی از این قرار است:^۱
- ترکیباتی که میان دو جزء تشکیل دهنده آن *ī* آورده می‌شود: *gyāg ī nišast* (جای نشست، پایتخت) (کارنامه اردشیر بابکان، ۴۲)؛ *tan ī pasēn* (تن پسین) (همان، ۱۱۰).
 - ترکیباتی که میان دو جزء تشکیل دهنده آن *ud* آورده می‌شود: *tan ud gyān* (تن و جان) (همان، ۱۲۶)
 - ترکیب دو اسم: *kār-nāmag* (کارنامه)؛ *dēw-yasn* (آن که دین دیو را دارد)
 - صفت + اسم: *nēk.gōhr* (نیک گوهر)؛ *dūr-šahrīg* (غریب، بیگانه) (همان، ۷۴).
 - صفت فاعلی + اسم: *nām-burdār* (نامبردار)
 - اسم + صفت مفعولی: *dēn-zādag* (زاده شده بوسیله دین)؛ *dast-kard* (مزرعه، آبادی) (کارنامه اردشیر بابکان، ۵۰).
 - اسم + ماده مضارع: *rist-āxēz* (رستاخیز)؛ *dast-gīr* (دستگیر) (همان، ۵۲)
 - قید + اسم: *pēš-gāh* (پیشگاه)
- در ادامه برخی از ترکیبات باهم آیند غیرفعلی ذکر خواهد شد که در متن فارسی میانه *کارنامه اردشیر بابکان* آمده و در واژه‌نامه فره‌وشی باهم ذکر نشده است.
- abar gyāg*: قید «همان دم، همان لحظه» (کارنامه اردشیر بابکان، ۱۶)
- andar zaman*: قید: «در زمان» (همان، ۹۴)
- tan kirdīg*: صفت: «تنی»
- wany budīh*: اسم معنا: «تباهی»^۲
- wad kāmāgīh*: اسم معنا: «بدخواهی» (همان، ۱۸)

این ترکیبات در واژه‌نامه باهم آمده:

wardag-ruwān: صفت: (گشته‌روان، دارای روان گمراه) (همان، ۱۱۶)

^۱ - برای آگاهی بیشتر نک. ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۳۱۶ به بعد.

^۲ - تن و کالبد روز پسین که با آن روان در روز قیامت برمی‌خیزد.

^۳ - این واژه را فره‌وشی *awin budīh* خوانده و «نابین بودی، ناپیدا بودگی و نابودی» ترجمه کرده است (۳۰۲). به نظر می‌رسد صورت صحیح آن همان *wany-budīh* است به معنی «نابودی». در فرهنگ مکنزی *awin budīh* مشاهده نشد.

spāsdār صفت: (سپاسگزار) (همان، ۱۴۲)

tan-bahr اسم: «تن بهر، برازندگی اندام» (همان، ۱۰)

tan-brēh اسم: «تناسب اندام» (همان، ۱۱۸)

kār-framān اسم: کارفرما (همان، ۸۰)

sar xwadāyān اسم: (سرخدایان، ملوک الطوایف) (همان، ۱۱۰)

موارد بالا نشان می‌دهد که در زبان فارسی میانه، ترکیبات به روش‌های مختلف و متنوعی ساخته می‌شوند و پس از ساخته شدن ترکیبات، از آنها به همراه پسوند -īh اسم معنا نیز ساخته می‌شود. در زبان فارسی نو نیز برخی از این گونه ترکیبات مشاهده می‌شود. با این حال، برخی از این ترکیبات در فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌هایی که برای زبان فارسی میانه فراهم شده‌اند ذکر نشده است.

۳. بحث و نتیجه‌گیری:

در این پژوهش متن فارسی میانه‌/کارنامه‌/ردشیر بابکان از نظر وجود ترکیبات باهم‌آیند بررسی شد. نتایج به دست آمده نشان داد که ترکیبات باهم‌آیند فعلی در این متن از طریق ترکیب موارد زیر ساخته می‌شوند.

- صفت + همکرد
- اسم + همکرد
- قید + همکرد
- گروه حرف اضافه‌ای + همکرد
- پیشوند + همکرد
- مفعول + فعل بسیط متعدی

همچنین، ترکیبات باهم‌آیند غیرفعلی به شیوه‌های ذکر شده ساخته می‌شوند. در واژه‌نامه‌ای که فره‌وشی برای کارنامه‌/ردشیر بابکان فراهم کرده برخی از این گونه ترکیبات لحاظ نشده است. پیشنهاد می‌شود که در پژوهشی نو درباره‌ی این متن، این گونه ترکیبات نیز در واژه‌نامه باهم قرار گیرند. با توجه به اینکه این متن از جمله متون فارسی میانه است که برای آموزش از آن بهره برده می‌شود، بنابراین، دانشجویان از چنین فرهنگ کاملی بهره‌مند و با ترکیبات و ساختار زبان فارسی میانه بیشتر آشنا خواهند شد. در مجموع در هر فرهنگ زبان فارسی میانه، باید این

ترکیبات باهم ذکر شوند تا مفهوم کامل تر باشد. همچنین یک پارچگی در مورد این ترکیبات اعمال شود.

بدون شک در بررسی ترکیبات باهم آیند باید در جستجوی دلیل و پیشینه شکل‌گیری آنها بود و مسلم است که مسایل تاریخی و فرهنگی در شکل‌گیری اینگونه ترکیبات تاثیرگذار بوده است. بنابراین، انجام پژوهش‌هایی همچون پژوهش پیش رو درباره دیگر متون فارسی میانه سودمند خواهد بود و برآیند همه بررسی‌های این چنین نشان‌دهنده ساختار زبان فارسی میانه خواهد بود که می‌توان در ادامه آن را با ساختار ترکیبات باهم آیند در زبان فارسی نو مقایسه کرد و تطور ساختاری ترکیبات باهم آیند را از فارسی میانه به فارسی نو نشان داد و در فرهنگ‌نگاری نیز از آن بهره برد.

فهرست منابع:

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۳)، *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: انتشارات سمت
- ارانسکی، یوسیف (۱۳۸۶). *زبان‌های ایرانی*. ترجمه علی‌اشرف صادقی، تهران: انتشارات سخن
- افراشی، آزیتا (۱۳۷۸). «نگاهی به مسئله باهمایش واژگان»، *فصلنامه زبان و ادب*، سال سوم، بهار و تابستان، شماره‌های ۷ و ۸، ۷۳-۸۱
- آموزگار، ژاله. تفضلی، احمد (۱۳۷۳ [۱۳۹۵]). *زبان پهلوی: ادبیات و دستور آن*، چاپ نهم، تهران: انتشارات معین
- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸ [۱۳۷۷]). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، چاپ نهم، تهران، انتشارات امیرکبیر
- بهبودی، منیژه (۱۳۹۴). «گوشوران زبان و باهمایش»، *زبان‌شناخت*، سال ششم، شماره دوم، ۶۳-۷۶
- پالمر، فرانک (۱۹۷۱ [۱۳۷۴]). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران، نشر مرکز
- پناهی، ثریا (۱۳۸۱). «باهمایش و ترکیبات باهم آیند در فارسی»، *نامه فرهنگستان*، دوره ۵، شماره ۳، ۱۹۹-۲۱۱
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، تهران، انتشارات سخن
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶). «فعل مرکب در زبان فارسی»، *مجله زبان‌شناسی*، سال ۱۲، شماره ۱ و ۲، ۲-۴۶
- رسام، میرمحمدحسین (۱۳۷۵). *طرح فرهنگ بافتی افعال فارسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، تهران، ایران
- صفوی، کورش (۱۳۸۲). «پژوهشی درباره باهمایش واژگانی در زبان فارسی»، *متن پژوهی ادبی*، دوره ۷، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۸۲، ۱-۱۳
- کارنامه اردشیر بابکان، با متن پهلوی، آوانویسی، ترجمه فارسی و واژه‌نامه، (۱۳۸۶). ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ناتل‌خانلری، پرویز (۱۳۵۲ [۱۳۵۴]). *تاریخ زبان فارسی*، جلد دوم، چاپ سوم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران

Chapman, S. & Routledge, P. (eds.) (2005) *Key Thinkers in Linguistics and the Philosophy of Language*. Edinburgh: Edinburgh University Press. Pp 80-86.

- Cruse, D.A.**, (1986) *Lexical Semantics*, reprinted 1991, Cambridge, Cambridge University Press.
- (1957). *Papers in Linguistics 1934–1951* (1957) **Firth, J.R.** London: Oxford University Press
- Halliday, M.A.K.** (1966) “Lexis as a linguistic level”. In C. E. Bazell et al (eds), *In Memory of J.R. Firth*. London: Longman. 150-61.
- MacKenzie, D.N.** (1971) *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, Oxford University Press.
- Malmkjaer, K.** (eds.) (2004). *Linguistics Encyclopedia*, second edition, London and New York, Routledge.
<https://books.google.com/books> (acc.15.09.2018).
- Mitchell, T.F.** (1971). “Linguistic “going on”: Collocations and other lexical matters arising on the syntactic record”, *Archivum Linguisticum* 2, 35-69
- Sharifi, Sh., & Ebrahimi, Sh.**, (2012), “A Study on the Historical Etymology and Causes of Collocations in Persian Language”, *International Journal of Linguistics*, vol.4, no.4, 67-82